



راه را اندک به معنی هم رسید و آن رس و کانج حیا ان حراف زیاد گشت  
و حضرت بجایون زبانی صرف نفا را بگوید سمت چپ که در حیان کرد  
و کانج کون داشت توجه فرمودند و در روی پارسنگی که منظر می عالی داشت  
فرود آمدند و بعد از صرف نفا را دور بین تماشا می راه میفرمودند تا تمام راه  
حرم با سواران و غلامان با نظم و ترتیب از راه گذشتند و حضرت پادشاه  
سوار شده از میان جنگل کانج و از بازی گوده سمت راست اهل کشت شنبه فر  
گذشته محاذی قلعه نشانی رود و چون نمودار گشت و قوا طور و شوغان  
و چهارمید که درین جنگه واقعه از دور و نزدیک ملحوظ گشت که مرکب مسعود  
بچهارمید شرف و در داری داشت و متعارفین حال عا پار استر اباد  
در رسید عراض ملک آرامعروض خاکپای می بجایون گشت و تیم پاشا خان  
سلف الدونه باردوی ظفر نمون منحوش گشته از زیارت حضور بجایون بر رویا  
و منفر آه شب بعد از شام برسم معمول قوزق گشت و پیشخدمتان حاض  
بجضور فیض کنجور شرفیاب شده اجود ان مخصوص حکیمباشی طذران  
بعرض و زنا مجات فرانسوی مشغول گشتند

از فیروزه ای چهارمید چهار فرسنگ است و راه چنانکه ذکر شد از میان  
دره و قاسمیه و شعبه جبال است که بعضی از ایلات شاد و نو در آنجا مسکن  
و سیاق دارند

### روز یکشنبه دهم تشریف فرمای اردوی انجم شکوه از چهارمید چهارم ده ستخاص

درین روز چون خاطر خطیر مایون شایبایی با عصب افکنی و شکا  
گو بود و حمت اندخان ساری صدان به جمعی از سواران نیراره و شکارچیان  
خاصه در شب گذشته بوجوب امر قدی طلب و تفتحص شکار و کوردوانی  
رفته بودند هنگام صبح که اردوی کیوان پوی از چهارمید کوچ نمود و ستر  
مایون شایبایی و زرا و اغلب ملزمین رکاب است امر و مقرود است  
که از جاده روان شوند و خود با معده و دوی قلیل از ملازمان خاص سمت شمال  
شرقی که جلگه و شکارگاه بود توجه فرمودند پس از طی اندک مسافتی از کرده  
کوچکی بری آمده داخل جلگه شدند و درین صحرای مسطح که سمت شمالی  
ان صحرای شوغان و معبر ترکمان است خاطر خطیر مایونی با سب تا

مایل شده و پنجاه اسب کبچ آوردند و پو بود با قرقرانی که مرغی شد پست  
 و ربه و منظور نظر مینا که کشیده با یک تیر از اوج آسمان بر زمین افکنند  
 سواران ازین تیر اندازی در سگفت نازده وجود بجایون شاهنشاه را دعاشند  
 مقارن انجال و با بی محاذی سم اسب بجایون پس از آن آمده از بهمتی  
 بهمتی رفت و چنانکه از قدیم ترین ایام تاکنون رسم است و مکرر تجربه شده است  
 حرکت رو براه دلیل بر آن است که نامورین حضرت نشان برار و با چنگان  
 و دشمنان دولت و دین غالب خواهند آمد و چون این تفال سالخوردهگان  
 و بزرگان سپاه بعضی خاکپای همایون معروض افتاد بفال نیک گرفته  
 و خاطر مبارک اسروری حاصل آمد و بیم در آن سحر آهولی از پسران کائنات  
 خویش رسیده سرکار بجایون شاهنشاهی با میر شکار ویران تعاقب کرده تیری  
 بدو انداختند و چون فاصله بسیار بود و تفنگ از چهارپایه پرتیر کارگر  
 نیامده آهسته تخلص شده و سرکار پادشاهی از تعاقبش صرف نظر فرمودند  
 درین حال سوارانیکه اسب تکام شب نامور شده بودند بطور ناظر همایون  
 کشیدند که بطور صفا زود منته کوه می آیند و از وضع و سیر ایشان معلوم گشت

که هر روز

که بر قدر جد و جهد نرود بودند مرا ایشانرا ممکن نشد و بود که کوری بدو  
یا با اصطلاح شکار چیان شکاری پیکر اند پس حضرت بهایون شایبانی را  
که بواسطه اسباب آتش و حرارت هوا عظمیستولی شده بود در صحرای فرود آمد  
و بصرف هندوانه مشغول گشت و بنوازندگی ازین میوه که در طبع ملوکانه  
در نهایت مطبوع و سازگار است میل فرموده بودند که سیرکای معجزه شرف  
شده معروض داشت که کوری زد و نمایان است سرکای پادشاهی بلاتامل  
خوابسته در پی و تا مشین کردند که چون چنین کردی خود دیدی نهایت غریت  
بخت و خیر آمده و خود را آورده و ما بجز دامننه کوه پنهان نرود و بقیه  
تفحس کردند و رانیا فشد پس حضرت بهایونی با قشای کردان بخار خود  
سعا و دست فرموده بعد از صرف نهار سمیت جنوب که روی بمنزل بود  
عطف عنان فرمودند تا بقریه در بند که در میان دو سلسله کوه عظیم واقع  
وفی تحقیقه در بند است تشریف فرما گشته قریب نیم فرسنگ ازین معینه  
عبور فرموده تا راه را وسعتی بدید گشت و ارتفاع جبال سمت راست  
برستی که داشته دره فرور بجیکه ستخاص که علیکه است وسیع مثنی گشت

و اعلی حضرت بمایون شهریار می پس از فاطمه معابر و مساکت این جمله  
که یکی از معابر معروف لاهان طوائف ترکمان است و تقسیم مکانی مخصوص  
برای بنای قراولخانه که می تواند راهی را که غالباً باعث رحمت  
رعیت و عابرین سبیل است سد و دو محفوظ نماید بکالک نشسته بار دو  
سخت خاص شرف و رود ارزانی داشت درین روز بعد از ظهر  
بادی سخت برخاست و طوفانی شدید در هوا حادث شد چنانکه  
چادرها از جای کنده میشد و دیده ناخاک آکنده می گشت همانا طوفانی  
که اینطرف ظاهر کرد علامتی از صرصره طوکانه بود که در آن سمت وزیدن  
داشت چه قشون ظفر نمون درین روز مشرف بود و قریب تحصیل مقصود  
بودند با لاضره چون از شب بت باد اغلب رخسار ممتی بعضی را بجز  
سرا پرده همایون از پای در افتاد حاجی محمدنجان حاجب التمام  
و محمد حسین خان تائب محض آسایش وجود مسعود همایون لاجتی بر پا  
کرده و اطراف آنرا با تخریبی بلند و ضابطی محکم حیاطی کوچک  
موتی ساخته شد و سرکار پادشاهی شام را بیرون میل فرمود

شب را در جهان لایق نبودند

از چهار بیدالی چهار رده پنج فرسنگ است و شامبراه تا جلگه سنجی مس  
در میان دره و فاصله بسیار جبال واقع است که جبال سمت راست  
آن تا دهنه قراول متداه دارد و شامل است بر جنگلهای آو رس و غیر  
و جبال سمت چپ نیز جنگلهای آو رس دارد ولی متدراجا مماثل به  
پتھامی خاکی بوته دار میگرد

مجال سفر این دره از این جبال واقع و اکثر قراول و مزارع آن از دوه  
نمایان است

دات و اقمیست است

سوغان چته یامی پشت بان دو برج

لوشقان تلور برزاقو در بند قلع

از آنجا که یکی از معابر حقیقی تر حکمان که سمت جها من آباد و بسطام  
و غیره میروند از دهنه سنجی صوم ازین بیابان قلع باجرم و اسفرزین است  
که مثنی به کجا بخا و کلانجا کشته از دهنه زیدر سمت بیار حنب میزند

و یا از دهنه یازد و کلن بمیان دشت و عکس آب و یا از شرح فرقی علی  
 میدان عبور نموده بمنزله کیلان و از آنجا بخیر آباد و دلت زیر ستاق  
 میرود چنانکه ما اسامی اکثر از گذارهای اولیه آنها را در شرح بچورد و غیره  
 مذکور داشته ایم که متدرجا در تمام آن گذرها قراولخانهها و قلعهجات  
 بنا نمایند خاصه در سه در بند و گذر معروف که بصحرای شوغان می آید  
 و عبارتند از دشت و رباط عشق و آردلو مقر را که در بنده است قلعه  
 و قراولخانههای معتبر بنا نموده خانواری چند در آنها مسکون سازند  
 تا متدرجا بقلاع ساخته شود و البته زمانیکه در ظل عظمت شایسته  
 این قلعه و قراولخانهها با تمام رسند تمام راه خراسان از شرطایفه ضلالت  
 مصون و محروس خواهد ماند

چهارده شخص عبارت از چهار قلعه بزرگ است که بفارس نزدیک  
 در جلگه شخص واقع گشته یکی از آنها قریب لانه نام و سه قلعه دیگر آباد  
 و در هر یک پنجاه الی شصت خانوار رعیت دارد و اسامی ایشان در روز  
 آینده مذکور خواهد گشت

روز دوشنبه یازدهم شریف فرمانی موكب فیروزی  
 كوكب از بهار دوهیجا حرم

درین روزاگرچه خاطر خطیر مایون علیحضرت شهریار می مایل توقف

چهارده صید افکنی و شکار کور در آن اطراف بود شدت باد بطوری

بلا زمان ركاب نصرت نشان رحمت داد که سرکار پادشاهی قنچه

فرموده در اول باد او حکم شیپور کوچ دادند و از آنجا که از چهارده الی عاظم

راهیست و رنگ طول دارد و اغلب کویروبی آست محض آنکه بهترین

ركاب از پیاده و سواره بواسطه قلت آب سخت کمند و آقا ابراهیم

آبادباشی را مقر شد که از برای ایشان تدارک آب نماید مشارالیه نیز علاوه

بر چهل قاطر راوی کش که با سقایان با هر دسته و فوجی همراه نمود مشک

بسیار پراک کرده و بر شتران حمل داده با خود همراه داشت که هر یک تمام

سقایان را آب تمام شود راویهای خویش را از بار شتران پراک کرده مردم

رسانند و نیز چون راه امروز را بی طولانی و در دگاه بود بملاحظه آنکه شای

از روزان ترحمانی یکی یاد و نفر از جلور منجان یا پس ماندگان رود ایسی

محض خرم و حمت یا طحمت اند خان ساری عملاً از مقرر شد که با یک  
 فوج در مقدمه اردو باشد و فرخ خان امین لدوله را مقرر آمد که بعد از حرکت  
 تمام ابالی اردو با یک فوج برسم چند اول حرکت نمایند و خود سوارکارهای  
 شاهنشاهی به خلاف معمول بسبب اندر رفتن هر محانه بسیار که سوار شده  
 با تیب و پدق نسبت جاجرم تشریف فرما شدند و در سنک از چهار دست  
 میسرزا رحیم سرگرد و سوار جاجرمی و میسرزا فتحعلی نایب بکوه جاجرم و چند  
 سوار جاجرمی تقبیل رکاب محراب شرف گشته و مورد احوال  
 ملوکانه آمده مقرر گشت بهمنی که مهد یقینان غلام پیکه باشی و میر شکار طلب  
 کور رفته اند رفته بدیشان ملحق شوند و خود علیحضرت پهایون شاهنشاهی کوچه  
 از برای صرف نهار فرود آمدند و پس از صرف نهار چون هوا بسیار گرم  
 و مسافت بعید بود از خیال شکار منصرف گشته کس طلب مهد یقینی خان  
 و میر شکار و سایر سواران فرستادند یک فرسنگ بمنزل نایب سوار  
 از امین لدوله در رسیده معروض داشت که آب تمام شده  
 آبدار باشی را اشارت رفت که اعانت نماید مشارالیه فوراً بمنزل رفته

و ستاین پیش خان را با راهبهای مستعد و معجلا بسرازم سوار چند  
 رساند و تمام درامیراب نموده بعد از آنکه آب زحمتی و روغن  
 چهار ساعت بغروب نذودت و الاصفحات شایسته شریف  
 با جرم شد و چاکران و ملازمان هر یک در خیمه خویش میبودند  
 همانروز میرزا حاکم شاه بود که درینوقت در نزدین بود و بزیر  
 ستان میایون مشرف گشته مورد الطاف خسرو آمده مقرش  
 شب با اعتماد السلطنه که و کالت ایالت شاهرود و بطاع و نزدین  
 و جاجرم بدو مرجوع بود و بحضور مهر ظهور مشرف شده در خصوص این  
 امور انکساعات و سرحدات اصفهای فرمایشات عالی مقامین  
 یک ساعت بغروب نذودت و یوانخانه مبارکه که قورق شد شب در میان  
 سرکار پادشاهی مشغول صرف شام بود و در صدای شینیک توفیق  
 زود و برخواست حضرت بجایون محض استفسار از واقعه امین الممکت  
 حکم دادند که شینیک طلای جان نموده بعضی ساند جناب مغربی  
 نیز محمد نظر خان را با چند سوار پنج فرستاد و بجهت میرزا با چند نفر سوار

از شکار چیمان خوانند که هر یک در جرات و رشادت با دهن سوار برابر  
دارند در حال شتاب روان شدند بعد از صرف شام قورق بست  
اعتماد استلظه و امین الملک و جهان سوز میرزا و سایر چاکران بخت و با یون  
شاهنشاهی مشرف شدند در نظم سواران صفحات و ساحتش بعضی قلمچا  
فرمایشات لازمه علیه بعهده اعتماد استلظه و جهان سوز میرزا شرف مند و  
یافت محمد نظر خان مراجعت نموده معروض داشت که چون بمسافت  
نیم فرسنگ پیش قدم چند نفر از سواران چند اول رسیده مذکور در  
بودند که شنلیک توپ از توپچیان خاصه بوده است که بسنهام شب  
بجهت اخبار ورود انداخته بودند و هم میر شکار معاودت نموده بعرض گفت  
حضور مبارک رسانید که تمام بالای اردو با امین الدوله وارد شده و از حقیقت  
شنلیک خبری معلوم نشد آقا ابراهیم ابداری باشی معروض داشت که حاجی حسن  
ده باشی سقاخانه مبارک و سایر سقایان که متعاقب اردوی مدد در دهنه شمالی  
چند تر شنلیک تفنگ شعیده اند و هیچ استبعاد نداشت که در دهن مدینه ضابط  
که اغلب اوقات در دهنه های آن نواحی پنهانند شنلیکی کرده و جرات نزدیک

میافته اند میرشکار امروزمیگامیکه بامدعیلیخان در جنگهای سمت  
 کازنها و رباط سونج در تفحص شکار بود خورشیدی مشتمل بر سه شب فلان ماه  
 آستر پست و جعبه سبکیان بلور و اسباب چای در دازده خانه سال مشهوری پس  
 و سرداری و دیگری یافته بود از لحاظ نظر انور و گانه که را بنده معلوم شد که او بجهت  
 در آن جنگ سبقت گرفته اند چون سواران از امشاه کرده او بجهت خود  
 گذاشته فرار نموده اند بالاخر پنج ساعت از شب گذشته سه راهیون پادشاهی  
 پاسودند و مقرمان حضور حضرت انصاری یافته

از چهارده کجا جرم هست و سنگ بگانه و سنگ راه مایل مغرب و تمام صحرای مسطح  
 و جنگل کوه طاق است سمت راست بقاصد کفر سنگ نیم و سنگ سلسله کوچی  
 واقع است پست و سخت و مهیب درین کوه راه نادر بند است که طوائف که  
 و بیوت پس از گذشتن از رباط عشق و غیره و در رود بصرای شیخان از برای گذشتن  
 بجلگه شخص و صحرای فاصله بین جاجرم و سغز این در فن سمت شاهرود لایق  
 ازین معابر عبور نمایند و اسامی آنها بدین موجب است ابتدا سمت چپارده

راه نشنوه      راه رشمه      راه کلانه خان  
 رفته اسم و زیاده بود      سنگ که حال سنگم      از بالای مرز غده به سبک زد

راه خیابان

زمان است

که در کزی

بکوه منتهی بنود و جلوه چشمه است که بخور  
در دو فوسکی جاجرم واقع است و بخور این کله از زمان آباد است  
که آب قلیس دارد

و از قلعات نامین شناخته و جاجرم بدین موجب است

سمت راست نیم فوسک از دهه شناخته شده قلعه اندغان و بفاصله اندکی

قریه خود است این دو قریه هر دو از دوات چهارده اند و فوسک گذشته

مزرعه جربد است که در دامنه واقع و موسوم است باسم شهر که در زمان سلف

درین جلگه واقع و جربد نام داشته است و اکنون از عمارات آن جزارگی باقی نیست

چنانکه در شرح قدامت چپ خواهیم دید پس از مزرعه جربد زمان آباد خرابه است

که در او جز در برج و چشمه آبی قلیل آثاری نیست از زمان آباد گذشته درین سمت را

جاجرم قریه و مزرعه فوسک کردیم فوسکی جاجرم که قلعه و کار برای و چند درخت

نوت و غیره است سمت چپ اولاد را بنده ای قریه شناخته است و او قصبه

معتبر با سکنه و باغات است نیم فوسک از شناخته شده قلعه جعفر آباد است

و او قلعه است محکم بایره و خندق که سابقا ارک شهر جربد بوده جدر فلیجان المغان

شادلو او را تعمیر نموده باسم خود موسوم ساخته است ده چهار خانوار رعیت

در او سنگ داده اندک زراعتی دارند که از آب سخاوت مشرب میشود و در حواله  
نزد این قلعه و در شتر قنات است که این اوقات حیدرقلیخان سهام‌الدوله  
یکی از آنها را سفید نموده آبله اندک رود و محتمل است که پس از چندی از این دور  
قنات دوسنگ آب جاری شده باعث ازوبه آبادی و معموریت قلعه شود و  
در نزدیکی قلعه چشمه ایست که از آب آن یک بنه آبی و بینه زراعت میشود و چون  
بهر گاه درین قلعه هموار نیاید سوار باشد میماند مانع از ورود و عبور ترکان شود از جانب  
سنی همچو آب بیابان شام بی حکم بعد از تمام الدوله صرف محدود یافت که خلیل‌الله  
در صدر آبادی این قلعه کوشید و بی‌خوار در او ساکنی ده پیش از حضرت ابوباقا مسکن  
یک فرسنگ در زبردست جایه قلعه بنا کردند است موسوم بقعه سفید این قلعه  
در تواریخ به در سفید معروف است و چون از میانه است او بلز زرد با جرم دیگر  
آبادی و قلعه شهید نیست ولی این صخره چین مستعد است که در او حفز قنات و  
بنای کشت و زرع گذارند قصبه جرم قلعه بزرگ و شبامت بقلعه اردان  
نوار دارد که در وسط واقع و اطراف آن تمام باغات و زراعت است امالی این قصبه  
که قریب چهار صد خانوار بستند نما و در میان قلعه سالن و اغلب مردمان آن

مشتاقان قایلند مجال بیاوردن ششمین پن قصبه سه فرسده دیگر است که عبارتند

از کلبه و انوار و دره و در سر یک از آنها نیز بجایه الی سعد خانوار غنیمت مسلمان

سوازی بنام ارم و محسول آن بود که در واندکی سکنگ است و همین سبب

اسم جاجرم بجای ارم بوده جاجرم معرب است

روز سه شنبه دوازدهم توقف موكب منصور در جاجرم

از آنجا که در روز گذشته بواسطه بعید مسافت و شدت وسورت حزارت

هوامشقتی با پای اردو و طبعین رقاب نصرت شب آرام بود محسن آسایش

چاکران درین روز از جانب سنی الجوانب بجایون طوکانه در جاجرم امرا بطرف

شد تا ملازمان را حتی باشد و بندهگان اقدس بجایون را در مطالعه عرایض مختلفه که از

خلو این وسیستان و خراسان به سگاه حضور مظهر ظهور رسید و در صدور احکام طوکانه

و اصدار جواب مطالب فرصتی بدست آید پس در اول باد شاهنشاه با عدل

و داد از حرم خانه مبارکه بسرای پرده دیوانخانه تشریف فرما شد ابتداء عرایض

مستوفی الممالک وزیر مالیه اعظم لمحوط نظر محترم اثر گشته در جواب مکتوب

از مطالب آن دستخط مهربان شرف صدور یافت و هم جناب معظّم الیه را از

از بمبودی حالت معیر الممالک که درین روز با پاپا را از بجنورد اجبار شد بود اطلاع  
دادند و هم صورت عرایض سیستان و خراسان را از برای آگاهی جناب ایشان  
بدار کتافه فرستاده و مراجعت اردوی بجایون را از راه چشمه علی در میان و فیروز  
کوه اجبار نمودند از جانب حکومت دار کتافه در مسیر موکب گردون سیر کجا  
لازم دانستند قبل از وقت نوبه و مدارک آذوقه و سیورسات نمایند و ما قبلی نام  
در ایگارداشته باشند که از رعایا و بیاری و خبیه گرفته شود بلکه تمام سیورسات  
و آذوقه را در هر شهر و قصبه خریداری نموده انبار نمایند و چون احکام دار کتافه  
با تمام رسیده عرایض حکمران خراسان و سیستان از لحاظ نظر انور که شسته احکام  
قضائشان در جواب هر یک شرف صد دریافت و مسرعان فوراً مراجعت نمودند  
مبلغ دو هزار تومان وجه نقد و یک بوچه شال کشمیری که مرحوم سپه سالار در  
امام آباد در میان بدست شخص امینی سپرده بود شخص مزبور چون از وفات مرحوم  
اطلاع یافت نقد و شال مزبور را بتوسط امین الملک بحضور بابر التو بجایون تقدیم  
نمود علیحضرت بجایون شایستهی تمام آنها را بامین الملک سپردند که چون موکب  
مسعود بدار کتافه شرف رودارزانی وارد تمام پول و شال را بورات و کسان

یشان تقسیم نمایند و تمام بیست و هفت اسبان تازی از اسبان مرحوم مزبور  
که در دامغان گذاشته بود بحضور آوردند و اعلیحضرت مایون شاهی تمام  
با جلوساری بدر الخیر و الهی با جزیرد میرزا محمد سنان کشیکچی باشی که پسر ارشد مرحوم  
معظم‌الیه بودند و مستوره معتبره داشته که از روی قانون شریع مضاف با سایر اطفال  
و اوفساع در میان خود و سایر وراثت تقسیم نمایند چهار ساعت بعد از غروب تا ده دانه  
و الاصفیات بجایونی زمین بهشت پاسودند و بختی خان اجودان مخصوص حرم  
روزنامه‌های فرانسوی مشغول گشت سرکار شاهی عصره میل فرموده نماز  
گذارده دیوانخانه مبارکه تفرق شد دو ساعت از شب رفته چاکران و دربانان  
بذیرت حضور مبارک شام فیتیم و دو ساعت پنج از شب رفته بدین فینس عظمی مستعد  
بودیم

روز چهارشنبه سیزدهم شریف فرمائی اردو می مایون از حاجم

بقریه ایوره دوره

درین روز برخلاف رسم هر روزه اراده سنیه لوکانه بر آن اقصا نمود که امام  
حرمخانه مبارکه قبل از عزیمت موکب سعید به زم شوند پس در اول روز حاجم

آنجا یوسف آغا باشی و سایر خواجده سرانین کالسه و اسباب حرم را حاضر ساخته  
و اطراف سر پرده مبارکه را قورق نموده شب امان حرم عازم شد و سه کاره یاول  
شام شبانه تا سه ساعت از روز برآمد و در سر پرده مبارکه تشریف داشتند و شب  
الدوله و سایر سرداران خاص و خاصه بجا یاول را بعضی عرایض بدیع مشغول میداشتند  
تا اذان و آن صفات نوحه زبانه استسمت سمت شمال مغرب تشریف داشتند و  
پنج ساعت از روز برآمد موکب مسعود بمنزل شرف رود ارضانی داشت و حضرت  
شام شامی نهاریل فرموده با ساحت مشغول شدند و محمد تقی خان شیخ میرزا  
بعرض کتاب تاریخ رونق القضا استعالی فرمود و هنگام عصر سواره زدینی که برکاب  
بجا یاول حضرت بودند در قاف سر پرده مبارکه سان داده امر و مقرر شد که بر به  
محمد صالح خان سرتیپ کرد که چند روز اردوی بجا یاول باشند و هم علی تقی خان که  
از موریت گرن مراجعت نموده بود متوسط امین الدوله شرف اندوزان  
مهربان شد و خاطر مبارک را از احوالات آن ساعات مستحضر ساخت یک ساعت  
بغروب ماند و یواختانه مبارکه قورق شد و شب بعد از شام قورق نشکسته  
چاکران بجاکپی بجا یاول مشرف گشتیم و از آنجا که شدت و سوز حرارت

هوای روز خرام و جود مبارک شد زود تر از سایر شهرها بار امگاه تشریف فرما  
شدند از باجرم الی دژة دو فرسنگ راه مابین شمال و مغرب است سمت ریه  
جاده تمام دره و ماهور و پست و بلند و بفاصله دو فرسنگ که کمتر یا پرتی سلسله  
کوهی است بلند و سخت که سمت مغرب امتداد یافته درین سمت مزارع چند  
و در قریه است که اولی به گرنه و ثانی که اردوی بهایون در قریب آن واقع بود بهایون  
معروف و موسوم است و بهم درین سمت تپه است که در فوق آن از زمان  
سلف قلعه بنا کرده اند موسوم بقلعه جلال الدین که تا کنون از بنای محکم آن آثاری نمانده  
باقیست و از وزیر که حکیمباشی طلزان که بسبب قلعه رفته بود در استان بهایون  
مذکور میباشند در میان این قلعه آب انبار است مشابیه چاهی که در قعر آن آبست پس  
کواری که بواسطه پله های چند که در میان چاه قرار داده اند وصول بدان درینا  
آسان است

اما سمت چپ راه نیز دره و ماهور و پست و بلند و بفاصله نیم فرسنگ منتهی کوهی میگرد  
که درو آن مزارعی چند است بهم درین سمت در مقابل قریه آنوز کوهی سخت و بلند  
منگون میشود که سمت مغرب امتداد می یابد در آنکه سخت خود بز کوهی و دیگر جانوران

وحشی مسکن میدید

پنجشنبه چهاردهم ربيع الثانی تشریف فرمائی اعلیحضرت سهروردی

بندهگان اقدس هالیون سهروردی درین روز یک عت از جلوه کوششند بکاشکند

بوازکن فرزند کوششند با اعتضادالدوله فریادت میفرمودند و مقرر میشدند که امر

باید از روی سهام الدوله خبری پس چون در سنبل بنمیدان طلی شد شدت کرد

بوجود مبارک خمت داده و حضرت شایسته ای از کاشکند بسبب جوع فرمودند

و پدید جمعیت طرین رکاب پیس راه شدند و ذات الاصفان نوکازان

جاوه تشریف فرماده در هیکه نیکو تصرف نماز فرمودند و در ایمنکان از دور در

چند لحظه نظر مبارک گشته از حقیقت آن سوال فرمودند معروض اول در

فرورد در در چشمه واقع شده است که بجز چشمه معروف و آنجور ترکانست بالآخره

بعد از صرف نماز در شاه حضرت پادشاهی بکاشکند نشسته و تا ابتدای کردنه باه

تشریف برده چون دیگر صعود کاشکند امکان داشت سواره بیامای کردنه آمده

بایستاده مقرر داشته تا فادمان حرم نیز با سبب بگذرند و تمام کاشکند را از راه

کباها بکلاته خنج برده مشط حکم باشند زیرا عبور کاشکند ازین کردنه امکان داشت

و چون سرکار شاهی از کرده بزرگوار و در جلگه نزدیک شدند ایامیم خان بیست  
صطبل معروض خاکپای همایون داشت که در ایندم علامی از کرگان از نزد صادق  
خان سرتپ رسید و حال مرده فتح برای شهاب الملک بود خاطر مبارک حضرت  
شهریاری از بعضی خردگشت مقرر داشتند شخصی نزد شهاب الملک رفته حقیقت  
حال ابرض رساند چون موکب مسعود بزرگ شرف و رودار زانی داشت  
شهاب الملک بجنور مدبر معان شافه معروض داشت که بجهت ازمیامن اقبال  
پزدال جمایون قشون مانور فحی نمایان کرده و هزار و پانصد خانوار از شش طایفه  
میوت پایدمردان ایشانرا کشته و اسیر و زانرا کلا و سنگیر نموده احوال اموال  
ایشانرا مانا بعبارت برده بنحویکه منظور نظر مبارک جمایون طوکانه بود  
در ملا و جسارت و خود سرهای طایفه ضاله و او مردی و مردانگی دادند  
و قسم در این شب مجید قلبیان برادر سهام الدوله باغریض هر دو المغان  
و سایر سرگردگان و بعضی سبیل فتح و صورت سرو اسیر بر روی همایون پسته  
از زیارت خاکپای همایون و مراحم و الطاف طوکانه مشکر گشته شرح شرکت  
ارووی نصرت نمون را از جنور و نامراجعت از تا ضمن ترکان بدین تفصیل



بعقیده فاسد خود را از پادشاهش عمل فارغ فرض کرده و در خواب غفلت  
 گرفتار بودند کیباره جان شان در دولت و سواران شجاع با غیرت بر سر  
 ایشان تاختن آوردند و همچنان در خواب بودند که سواران آلاچیقهای شان  
 رنجبه مشغول سرو و نوب غارت شدند جمعی از مردان ایشان از میان ابها پ  
 رفته و بر اسبان خویش نشسته در وقتیکه تمام عساکر منصوره هر یک پیاده  
 ایستاد و اسیر گرفته و مشغول تاراج و یغما بودند چهار صد سوار ازین فرارینا  
 و از سوارانیکه تاخت و تاز رفته مراجعت نموده بودند مجتمع گشته بر سر ایشان  
 تاختن آوردند سهام الدوله و شجاع الدوله چون حسین و پند خود با سر کردن  
 و چند سوار فسیل که در زیر چاق بودند بر ترکانان تاخته و مردم را نهب داده  
 فریاد کردند که دست از غارت برداشتنه و از او بها پرون آید و در حفظ جان  
 گوشند همچنان سواران ترکان زور آورشد و دلیران و شجاعان اسلام  
 خود داری بس نمودند که ناگاه از دور تپانهای نمایان شد علیخان پیشخدمت نسبت  
 تپ تاخته معلوم نمود که کلب حسین خان امین نظام با سواران نصر شده  
 که در ظلمت شب راه را گم کرده و یک ساعت فاصله رسیده اند پس علیخان

امین نظام را از عاونه مطلع ساخته این سرکرده غیور با سواران دلیر خود بدون  
کشت و تخریب یکدیگر دو ایمنی ششماهه با چهار و نیم از آفتاب برآمد مشغول جنگ  
و کوشش و کوشش بودند تا از سواران زکمان مردمی و از امارا و به والا پیغمبانی  
جز کردی مانند سهام الدوله ابتدا اسیر و اولجه را از در بند گذرانده و خود را  
سواران مستعاقب ایشان نموده رسیده و بجهت نغان از هر اسبسی امین  
مانده صورت فتح را بعرض رسانیده معروض عا کفان حضور بجایون داشته بود  
که از چند طایفه قوچوق و تاتار و قان تخیز و چاروا و چمپور زیاده  
از هزار اسیر و دو سیت نیزه سر با خود بار دوی بجایون خوانند آورد خاطر در  
معاظر بجایون ازین مرده فتح در نهایت مسرور و مشغوف گشته و شکر حضرت  
خداوندی بجای آورده در کمال راحت و فراغت بکرم خانه بار که نشریف فرستید  
از دره بنزدین هشت فرسنگ است شش فرسنگ اول کرده و دو فرسنگ  
از کرده بنزدین در سمت شرقی کرده در راست و چپ جاوه قریه و آبادی خبر  
آب انبار خراب نیست و از هر دو سمت کوهها که یکفرسنگ اوله و دو فرسنگ فاصه  
دارند در یکفرسنگی دو فرسنگی راه در جلگه تمام میشود و در انتهای ایشان کوهی